

ضعف‌های نظامی روسیه و انفعال در مذاکرات کنترل تسلیحات

الکساندر خرامچیخین

مقدمه

هرچند اخبار اخیر در مورد تدوین پیمان جدید کنترل تسلیحات راهبردی تهاجمی میان روسیه و آمریکا حاکی از تلطیف مواضع پیشین مسکو در زمینه ارائه اطلاعات تله‌متریک در باره آزمایش موشک‌های جدید روسی به واشنگتن است، اما ایالات متحده همچنان بر مخالفت با بازرسی‌های دائم از کارخانه موشک‌سازی «ووتکینسک» تأکید دارد. به تأکید تحلیل‌گران این مسئله بیش از هرچیز به این دلیل است که روسیه بیش از هر کشور دیگر به ضعف‌های مفرط خود در زمینه موشک‌های راهبردی واقف است و همین مسئله این کشور را در برابر آمریکا در موضع ضعف قرار می‌دهد. بر همین اساس است که کرملین تلاش دارد، با تأکید بر ارتباط میان پیمان جدید کنترل تسلیحات راهبردی و سپر موشکی آمریکا در اروپای شرقی از واشنگتن در حوزه‌های دیگر کسب امتیاز کند.

ضعف تسلیحات راهبردی هوایی روسیه

در حال حاضر ایالات متحده واجد حدود 900 حامل کلاهک هسته‌ای (بدون احتساب 70 فروند بمبافکن بی-1 بی که گویا از نیروهای هسته‌ای خارج شده‌اند) و 5700 «واحد رزمی» است. اگر هر بمبافکن بی-2 به عنوان یک واحد رزمی تلقی شود و بپذیریم که در 100 عدد از 450 عدد موشک بالیستیکی قاره‌پیمای «مینیتمن-3» یک واحد رزمی نصب شده، این رقم را می‌توان درست دانست. اما اگر قبول کنیم که اکثر موشک‌های «مینیتمن» به 3 واحد رزمی مجهز شده‌اند، در این صورت رقم جمعی برابر 5900 واحد رزمی می‌شود. روسیه در 1 ژوئیه 2009، تعداد 608 حامل

کلاهک هسته‌ای با 2683 واحد رزمی در اختیار داشت. لازم به ذکر است که از 1 ژانویه سال 2000 که ولادیمیر پوتین وارد کرملین شد، نیروهای هسته‌ای راهبردی فدراسیون روسیه دارای 1165 حامل کلاهک هسته‌ای با 5842 واحد (قسمت) رزمی بود. بر این اساس، روند احیای توانمندی نیروهای مسلح روسیه ادامه داشته و روندی رو به رشد بوده است. نکته مهم این است که امریکایی‌ها طی دهساله اول قرن 21 تسلیحات راهبردی تولید نمی‌کردند، ولی در روسیه تولید این نوع سلاح‌ها هیچ‌گاه متوقف نشده است. با این حال در سال‌های دهه 1990 موازنه واقعی بین روسیه و آمریکا در عمل وجود داشت، اما هم‌اکنون، برتری آمریکا در زمینه حامل‌های کلاهک هسته‌ای به 1/5 برابر و در زمینه واحدهای رزمی به بیش از 2 برابر افزایش یافته است. این در حالی است که نیروهای هسته‌ای راهبردی روسیه مانند تمام نیروهای مسلح این کشور روند رو به ضعف ملموسی را طی می‌کنند.

نیروی دریایی روسیه در عمل از بین رفته است (در باره نیازی نیست که بار دیگر فرآیند ساخت موشک «بولوا» و این که قبل از اینکه تولید، کاملاً از رده خارج شد، یادآوری شود). نیروی زمینی روسیه نیز به صورت روزافزونی در حال تضعیف است. از 1 ژانویه سال 2000 تا 1 جولای 2009 در شاکله نیروهای موشکی راهبردی روسیه، 431 موشک بالیستیکی قاره‌پیما با 2334 قسمت رزمی از رده خارج شده و تنها 42 موشک با 42 قسمت رزمی جایگزین شده است. نیروهای هوایی در بخش هسته‌ای فعلاً ثبات خود را حفظ کرده است، اما با توجه به عدم تولید و طراحی بمبافکن‌های جدید، واضح است که این بخش از نیروهای مسلح روسیه نیز بزودی کارآمدی خود را از دست خواهد داد.

ناکارآمدی اصلاحات نظامی

واقعیت این است که پیمان جدید کاهش تسلیحات راهبردی تهاجمی که ممکن است طی ماه های آتی به امضا برسد، پیمانی درباره خلع سلاح داوطلبانه یکجانبه ایالات متحده خواهد بود. این امر کمکی به روسیه نخواهد کرد، زیرا کاهش نیروهای هسته ای روسیه به خودی خود همچنان ادامه دارد و این موضوع ارتباطی با پیمان های بین المللی ندارد. برتری آمریکا در این زمینه حتی بعد از کاهش های داوطلبانه بیش از پیش افزایش خواهد یافت. در این رابطه باید به یک موضوع مهم دیگر نیز اشاره کرد. مسکو برای پدافند ضد موشکی اهمیت فراوانی قائل است، حال آنکه موضوع پدافند هوایی را نادیده می گیرد. این در حالی است که پدافند هوایی، عامل تعیین کننده استقامت نیروهای راهبردی هسته ای و سایر نیروهای مسلح فدراسیون روسیه و نیز نهادهای اداری و صنعتی این کشور است. علی رغم تاکید بر این مساله در می 2008، تا کنون اصلاحات مهمی در این زمینه صورت نگرفته است.

در جریان نوسازی نیروهای مسلح فدراسیون روسیه، بخش عمده واحدهای ضد هوایی ارتشی به نیروی هوایی و ضد هوایی تعلق گرفت. همه تیپ های باقی مانده اس-300 و چهار تیپ سامانه ضد هوایی «بوک» به ترکیب نیروی ضد هوایی پیوستند. برای نیروی زمینی نیز 7-9 تیپ موشکی ضد هوایی مجهز به سامانه ضد هوایی «بوک» باقی مانده است که در سراسر روسیه از پترزبورگ تا ولادیواستوک مستقر شده اند. این امر یک بار دیگر نشان می دهد که از این پس، نیروی زمینی روسیه در صورت عدم پشتیبانی ضد هوایی نمی تواند مبادرت به عملیات های نظامی کند. حتی کسانی که متخصص امور نظامی نیستند، اهمیت این عامل را درک می کنند. البته در چارچوب اصلاحات اخیر، نیروی مسلحی ایجاد شده که قادر نیست هیچ خطری را دفع کند. لازم به ذکر است که ترکیب نیروی ضد هوایی (که بخشی از نیروی هوایی روسیه را تشکیل می دهد) شامل 31 هنگ اس-300 و اس-400، چهار یا پنج هنگ اس-300 و و چهار هنگ «بوک»

است. این تعداد سامانه‌های ضد هوایی برای دفع تجاوز هوایی کفایت نمی‌کند.

در حال حاضر تنها مسکو و پترزبورگ، حومه این شهرها و نیز مناطق استقرار ناوگان‌های نظامی بالتیک، شمال و اقیانوس آرام زیر پوشش مناسبی قرار گرفته‌اند. در مناطق کراسنودار و خاباروفسک نیروی ضد هوایی کمابیش مؤثری مستقر شده است. ولی دیگر بخش‌های کشور عظیم روسیه کاملاً باز است. حتی 12 منطقه روسیه که رسماً نیروی ضد هوایی دارند، از پوشش کافی ضد هوایی برخوردار نیستند. نکته شایان ذکر اینکه در 62 منطقه روسیه، نیروی ضد هوایی حضور ندارد. حتی بعضی لشکرهای موشکی راهبردی و مناطق مهم صنعتی از پوشش ضد هوایی بی بهره هستند.

باید افزود که سامانه ضد هوایی «بوک» که از نیروی زمینی به نیروی ضد هوایی منتقل شده، نمی‌تواند به عنوان ضد هوایی عمل کند، زیرا یک سامانه صرفاً ارتشی است که برد آن 32 کیلومتر است و برای فعالیت ضد هوایی کافی نیست. افزون بر این، بیش از نیمی از هنگ‌های اس-300 (16 هنگ) به سامانه اس-300-پ-اس مجهز شده‌اند. این در حالی است که این سامانه اواسط سال‌های 1980 به رده تسلیحات پیوسته و پاسخگوی مقتضیات کنونی نیست.

عدم کفایت سامانه‌های جدید تا کنون فقط دو واحد مجهز به سامانه پرآوازه اس-400 در اختیار نیروهای مسلح روسیه قرار گرفته است. امکانات محدود تولیدی صنایع دفاعی و مشکلات جدی که در جریان بهره‌برداری از اس-400 بروز کرد، سبب چنین نتیجه‌ای شد. در برنامه دولت برای تجهیز واحدهای ارتش به تسلیحات جدید برای سال‌های 2006-2015، پیش‌بینی شده بود که تا سال 2015 روسیه به 18 تیپ اس-400 مجهز شود، ولی اولاً، این برنامه در همه زمینه‌ها با ناکامی روبرو شده و نمی‌تواند به طور کامل اجرا شود. ثانیاً، حتی اگر اجرا می‌شد، 18 تیپ نمی‌توانستند پدافند

هوایی نه تنها تمام کشور، بلکه حتی تأسیسات و اهداف اساسی را بر عهده گیرند.

این ادعا که کارآیی اس-400 از اس-300 سه برابر بالاتر و لذا تعداد مورد نیاز آن 3 برابر کمتر است، چیزی جز دروغ محض نیست. کارآیی اس-300 در مبارزه با اهداف هوایی 80-70% است. بدیهی است که کارآیی نمی‌تواند از 100% بالاتر باشد، به عبارت دیگر، نمی‌توان به وسیله یک موشک بیش از یک هدف را سرنگون کرد. بنابراین، افزایش کارآیی اس-300 به میزان سه و حتی 1/5 برابر امکان‌پذیر نیست. فقط در حالت ایده آل و بدون موانع خارجی، کارآیی 100 درصدی می‌تواند تأمین شود که در شرایط کنونی چنین وضعیتی تنها در صورت مقابله با نیروی هوایی یکی از کشورهای آفریقایی می‌تواند حاصل شود. با وجود اینکه اس-400 از نظر طول برد و ارتفاع فعالیت و مقابله با پرازیت‌های الکترونیکی از اس-300 قوی‌تر است، این سامانه نیز نمی‌تواند با هر موشک خود بیش از یک هواپیما یا یک موشک سرنگون کند. علاوه بر این، کیفیت هیچ گاه ضرورت کمیت را حل نمی‌کند. تعداد اهدافی که سرنگون می‌شوند، نمی‌تواند بیشتر از تعداد موشک‌های ضد هوایی آماده برای جنگ باشند. اگر موشک‌ها نصب نشده‌اند، حتی جنگنده قدیمی «فانتوم» بدون هیچ مشکلی از مواضع نیروی ضد هوایی عبور خواهد کرد.

این مسأله برای سامانه‌های اس-300 و اس-400 از آن نظر اصولی به نظر می‌رسد که برای نصب موشک‌های جدید در هر دو سامانه مذکور، زمان زیادی لازم است. به عبارت دیگر، اگر موشک‌های نصب شده تمام شوند، حتی در صورت وجود موشک‌های ذخیره و ماشین‌های انتقال و شارژ در محل استقرار این سامانه‌ها، امیدی به ازسرگیری فعالیت آن‌ها نیست. به علاوه موشک‌های ذخیره و ماشین‌های مخصوص نیز آماده نیستند.

این مشکل تنها در صورتی قابل ارتفاع است که یک هنگ اس-300 پ شامل 6 سامانه با 288 موشک آماده برای پرتاب باشد، ولی از مطالب مندرج

می‌توان نتیجه گرفت که نیروی ضد هوایی روسیه حتی یک هنگ 6 سامانه‌ای ندارد. در این میان، تنها دو هنگ از 5 سامانه برخوردارند. در اکثر هنگ‌ها 2-3 سامانه با 96-144 موشک وجود دارد. بدیهی است که هر دشمن بالقوه می‌تواند با استفاده از حمله گسترده، نیروی ضد هوایی این کشور را از پای در آورد.

وضعیت فاجعه‌بار

مسکو طبق معمول ماه‌های پیش به بحث و چانه‌زنی با آمریکا درباره استقرار سامانه ضد موشکی این کشور در بلغارستان و رومانی تمرکز کرده و این در حالی است که مسکو چند سال قبل بر این نکته تأکید داشت که سامانه ضد موشکی باید در قسمت جنوب شرق اروپا مستقر شود تا بتواند خطر موشکی ایران را دفع کند. با عنایت به موقعیت جغرافیایی، این سامانه جدید ضد هوایی به هیچ عنوان نمی‌تواند برای روسیه مشکلی ایجاد کند، مگر اینکه روسیه بخواهد به بلغارستان و رومانی حمله کند که این مسئله کاملاً بعید به نظر می‌رسد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که مقامات کرملین طی ماه‌های اخیر مساله استقرار سامانه دریایی ضد موشکی در دریای سیاه را کاملاً نادیده گرفته‌اند. به عبارت دیگر، رزم‌ناوهای چون «تیکوندروگ» و ناوهای «اورلی برک» با سامانه ضد موشکی «اچیس» وارد دریای سیاه در حال برنامه‌ریزی برای استقرار در این دریا هستند و این خطری واقعی برای روسیه است. سامانه ضد هوایی «استاندارد-اس-ام-3» که تعدادی از آن‌ها روی ناوها نصب می‌شود و موشک‌های «تام‌هوک» که روی این ناوها مستقر می‌شوند، چنین خطری ندارند.

نباید فراموش کرد که زیر دریایی‌های آمریکایی نیز که در حال حاضر می‌توانند بلامانع وارد دریای سیاه شوند، حامل موشک‌های «تام‌هوک» هستند. با توجه به اینکه نیروی هوایی و تعداد اندک ناوهای ناوگان دریای سیاه روسیه برای

ناوهای آمریکایی خطری جدی ایجاد نمی‌کنند، همه سکوهایی خالی در ناوهای آمریکایی به موشک‌های «تام‌هوک» اختصاص می‌یابند که از دریای سیاه می‌توانند به شش لشکر موشکی روسی که دارای 60٪ موشک‌های بالیستیکی قاره پیمای این کشور هستند، ضربه بزنند. این در حالی است که چهار لشکر از این تعداد از هیچ پوشش ضد هوایی برخوردار نیستند و بعضی از آنها از وسایل ضد هوایی منسوخ استفاده می‌کنند.

تعداد موشک‌هایی که امریکایی‌ها می‌توانند به سوی اهداف موجود در خاک روسیه پرتاب کنند، از تعداد ضد موشک‌هایی که ما در سامانه‌های ضد هوایی خود داریم، بیشتر است. به نظر می‌آید که در این شرایط هر موشک بالدار تام‌هوک امریکا به راحتی قادر به رسیدن به اهداف روسی خود خواهد بود. حتی اگر این موشک‌ها به هدف نرسند، یکی دو ضد موشک روسی را به خود جلب کرده و باعث تضعیف پدافند هوایی روسیه خواهد شد. با توجه به ضریب پایین کارایی ضد موشک‌های روسی در شرایط واقعی نبرد (30-40 درصد)، پدافند هوایی روسیه در حالت فعلی نمی‌تواند امنیت تأسیسات نظامی این کشور را تضمین کند.

در این شرایط آمریکایی‌ها حاضرند نیروی راهبردی هسته‌ای خود را به صورت داوطلبانه و یکجانبه کاهش دهند، زیرا به این نوع تسلیحات احتیاجی ندارند. آنها می‌توانند به وسیله سلاح‌های دقیق غیرهسته‌ای، نیروهای راهبردی هسته‌ای روسیه را از میان ببرند. مابقی موشک‌های قاره پیمای روسی نیز کاملاً به سپر ضد موشکی امریکا اختصاص خواهند یافت. این سپر نمی‌تواند پرتاب گسترده موشک‌ها را دفع کند، اما می‌تواند با موشک‌های انگشت‌شمار مقابله کند. این وظیفه به عهده سامانه ضد موشکی مستقر در خاک آمریکا و در ناوهای آمریکایی در مناطق شمالی خواهد بود. و واشنگتن قصدی برای به خدمت گرفتن تأسیسات ضد هوایی امریکا در بلغارستان و رومانی نخواهد شد.

در قسمت شرقي روسيه نيز مشکلاتي در زمينه پدافند هوايي وجود دارد. اين در حالي است که چيني‌ها به نحوي آشکار در حال تمرين طرح‌هاي تجاوز گسترده به روسيه هستند. انبوه موشک‌هاي باليستيکي تاکتيکي و عملياتي- تاکتيکي که تعداد آنها در چين از همه ارتش‌هاي ديگر جهان بيشتر است، براي از بين بردن نيروي ضدهوايي روسيه در مناطق شرقي کفايت مي‌کند. در حال حاضر در تمام منطقه بزرگ کامچاتکا تا رود يني‌سئي فقط 180 فروند جنگنده وجود دارد. در اين شرايط نيروي هوايي چين با 4 هزار فروند جنگنده مي‌تواند حريم هوايي روسيه را زير کنترل کامل خود در آورد و اين در حالي است که ذخاير اساسي نفت و گاز روسيه در مناطق شرقي اين کشور قرار دارند.

نويسنده: الکساندر خرامچيخين، روزنامه
«ني‌زاوي‌سي‌مايا گازي‌يتا»